



۲۰۱۹/۱۲/۲۸



ف، هیرمند

فاجعه شش جدی؛ مبداء اشغال و مداخلات بعدی



اشغالگران وطن ما افغانستان و چاکران شان - پرچمی ها و خلقی ها - زمانی دلیل و برهان زیادی رویهم کردند تا عروج و ورود اشغالگران به حریم پاک وطن مظلوم ما را از تعریف استندرد اشغال به دور ببرند ولی همچو آفتاب روشن است که این تقلا ها، غیر ممکن بود.



فعلی که به منظور تصرف و حکمروایی - مستقیم و غیر مستقیم - یک کشور، با تهاجم نظامی به عمل آید، ولو مقصد آن اشغال مؤقتی و یا دائمی باشد و این تهاجم به نیت بشر دوستانه و دفاع از اهالی آن منطقه از خطرات وخیم نبوده و نیز جامعه بین المللی از چنین هجومی مطلع و موافق نباشد و این اشغال در حالت جنگ به مقصد دفاع از خود به عمل نیامده باشد، چنین عملی دقیقاً اشغال شناخته می شود که یک تخلف و جرم وخیم و تخطی از تمام معاهدات و اسناد بین المللی تثبیت می شود.

آیا دولت شوروی سابق و حزب دموکراتیک می توانست که فعل ارتكابی ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ یا ۶ جدی ۱۳۵۸ ه ش را در چنین معادله ای توجیه کند و گویا حقانیت فعل مربوط را به کرسی بنشانند...؟؟ هرگز چنین منطقی وجود ندارد که فعل متذکره توجیه شود، برعکس میعاد آن اشغال نامشخص بود، گرچه که با عوامفریبی ادعای مؤقتی بودن آن صورت میگرفت، منظور

آن اجرای یک فعالیت بشر دوستانه نبود، بلکه طی آن اشغال، ده ها هزار هموطن مظلوم ما شهید شدند و مزارع، منابع حیاتی نفوس و امور زندگی مردم ما صدمات اساسی برداشت، معادن ما توسط اشغال گران به یغما و چپاول برده شد. خسارات، صدمات و آسیب های که اشغال ششم جدی بر تمام ابعاد زندگی مردم و کشور ما وارد کرد، چنان گسترده است که فهرست کامل آن ایجاب کار دقیق و وسیع جداگانه را می نماید.

مبصران امور بین المللی چنین استنباط می کنند که از ملاحظه اسناد مربوط چنین بر می آید که امریکا از طریق استخباراتش نقش وسوسه کننده روسها برای اشغال ۲۷ دسامبر را بازی میکرده است، همچو دامی که از قبل برای یک خرس قطبی جابجا شده باشد، امریکایی ها از قبل چنین پلانی داشتند تا شوروی سابق در خندق اشغال افغانستان درگیر شود، این البته از خصلت غارتگرانه و استعماری اشغال نمی کاهد و نیز از تقصیر و جنایت اشغال گران و دست نشانندگان شان چیزی کم نمی کند و نه در ماهیت آن کدام تغییری وارد می آورد.

امریکایی ها و پاکستانی ها با استخبارات شان و تنظیم های مقیم پاکستان، سعی میکردند تا اقامت روسها در افغانستان ادامه یابد تا بیشتر و بیشتر خوار و رسوا گردند، روسها که یارای ادامه جنگ در کشور ما را از دست داده بودند ناگزیر به ترک فرار گونه شدند، امریکا و متحدین منطقوی اش - پاکستان - از قبل آمادگی مداخلات و احیاناً اشغال بعدی کشور ما را دنبال میکردند که چنین هم به عمل آوردند. دست های آی اس آی پاکستان نظام دولتی افغانستان را به معنای مادی و معنوی آن از بین برد، این ویران کردن کامل دولت افغانستان گذار به یک مرحله متکاملتر نبود بلکه افتادن در یک دوران پر از بحران تلقی می شود که ویرانی های بجا مانده از آن و خون های ریخته شده این دوره، تا حال پا برجاست.

طی یک دهه امریکا شرایط را برای اشغال کشور ما فراهم نمود، بودند عده ای انگشت شمار افغان های مقیم امریکا که از قبل طبل ناجی بودن امریکا را می نواختند که فردی یا افرادی از آنها تا حال در راه جستجوی صلح موهوم، این پروژه را تیکه کرده اند.

به طور خلص وقتی عبور تاریخ چند دهه اخیر وطن را نگاه میکنیم، اشغال ۲۷ دسامبر ۱۹۷۹ میلادی یا شش جدی ۱۳۵۸ ه ش کشور ما، شرایط دهشتناکی را برای مداخلات بعدی و اشغال کشور ما فراهم نمود، نخست روسها و دست نشانندگان شان افغانستان را در مسیر سقوط و بی ثباتی انداختند، بعد پاکستانی ها و همداستان های داخلی افغان شان وطن ما را چنان علیل، ناتوان ساخته و به انحطاط مصاب نمودند که امروز در برابر هر هجوم، مداخله و دست اندازی، توانایی کافی دفاع از خود را متبازر نه ساخته و بدون کمک خارجی، فراهم بودن این امکان دفاعی را مشکل می نمایند. نیروی عمده دفاع از وطن و ارزش های آن که "مردم متحد" آن باشند با تبلیغ نفرت و بی اتفاقی میان شان، عاطل و بی حس گردانیده شده اند. ولی دیر یا زود مردم ما این طومار خام را در هم خواهند شکست و آن وقت افغانستان خودش قد راست خواهد نمود و مستقلانه قابلیت دفاع را خواهد داشت.

**** **

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نیشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

فاجعه شش جدی؛ مبداء اشغال و مداخلات بعدی
F_hermand_faajeaye_shash_djadi.pdf